

# مثل یک دسته‌ی گل

تألیف

دکتر صالح کاکویی

www.ketab.ir

|                         |                                                               |
|-------------------------|---------------------------------------------------------------|
| سرشناسه                 | کاکویی، صالح، ۱۳۴۲ -                                          |
| عنوان و نام پدیدآور     | مثل یک دسته ی گل/تالیف صالح کاکویی؛ ویراستار صغری خانی.       |
| مشخصات نشر              | گرگان: انتشارات نوروزی، ۱۴۰۲.                                 |
| مشخصات ظاهری            | ۱۶ص: ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.                                           |
| شابک                    | 978-622-02-2975-9                                             |
| وضعیت فهرست نویسی       | فیا                                                           |
| یادداشت                 | کتابنامه. ص. ۱۱۵-۱۱۶.                                         |
| موضوع                   | داستان های فارسی -- قرن ۱۴<br>Persian fiction -- 20th century |
| رده بندی کنگره          | PIR۸۳۵۸                                                       |
| رده بندی دیویی          | ۸۵۳/۶۲                                                        |
| شماره کتابشناسی ملی     | ۹۳۲۲۴۵۵                                                       |
| اطلاعات رکورد کتابشناسی | فیا                                                           |

### مثل یک دسته ی گل

تالیف: دکتر صالح کاکویی  
صفحه آرا: لایلا وطن خواه  
ویراستار: دکتر صغری خانی  
طراح جلد: شکیبا حاجی عسکرلی  
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲  
مشخصات ظاهری: ۱۱۶ص

قطع: رقعی

شمارگان: ۲۰۰

شماره شابک: ۹-۲۹۷۵-۰۲-۶۲۲-۹۷۸

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

چاپ و نشر: نوروزی-۱۷۳۲۲۴۲۲۵۸

حق چاپ برای نویسنده محفوظ می باشد.



گلستان، گرگان، خیابان شهید بهشتی، پاساژ رضا، کدپستی ۴۹۱۶۶۵۷۳۷۶

Instagram: entesharatnorouzi

Website: www.entesharate-norouzi.com

Phone: ۰۱۷-۳۲۲۴۲۲۵۸-۰۹۱۱۳۷۱۹۱۱۵

Email: entesharate.noruzi@Gmail.com

## فهرست

صفحه

عنوان

|     |                               |
|-----|-------------------------------|
| ۵   | پیشگفتار                      |
| ۹   | فصل اول:                      |
| ۹   | بهره گیری از مثل ها و حکمت ها |
| ۶۷  | فصل دوم:                      |
| ۶۷  | سنگ قبر نوشته ها              |
| ۸۳  | فصل سوم:                      |
| ۸۳  | ماشین نوشته ها                |
| ۹۹  | فصل چهارم:                    |
| ۹۹  | چیستان                        |
| ۱۱۵ | فهرست منابع:                  |

## پیش گفتار

سرگردان بوده‌ام که چه بنویسم؟ قلم نوک خود را چرخاند و اشاره‌ای به مردم اطراف کرد و گفت: "آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم / یار در خانه و ما گرد جهان می‌گردیم". تازه متوجه شدم در لابلای زبان مردم کوچه و بازار گوهرهایی هست که از ارزش گران سنگ آنها غافل هستیم؛ جام جمی در سینه های مردم عادی نهفته است که ما از آن بیگانه ایم؛ به قول حافظ: "سالها دل طلب جام جم از ما می‌کرد و آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد" درست است که عصر نوین به در می‌کوبد و در آمدن خود بسیار عجول است؛ نباید از کارکرد استعاره‌ها، نماد ها، کنایات، مثل ها... غافل ماند. در این میان مثل ها در عصر نوین کاری می‌کنند که هزاران بمب و موشک نمی‌توانند انجام دهند؛ عرفی شیرازی گفته است: "ضرب شمشیر ندارد اثر ضرب مثل" پس در میان کوچه و بازار و آثار نو و کهن گشتی زدم تا گوهر های ناب را صید کنم و نوشته هایم را با این زیورها بیارایم. اگرچه این تحفه ی درویش است بر ما ببخشایید چون بضاعتم اندک است. زبان عامه، همانند آب زلال چشمه ساران و جویباران صاف و ساده در کوچه و بازار جاری است؛ هر کس به اندازه ی تشنگی خود از آن سیراب می‌گردد. در این جُستار، به بازی گوشه زبانی پرداختیم درحالی که زبان علم هیچ گونه سازگاری با بازی‌های زبانی ندارد؛ چاشنی اصلی این بازی فرا روایت‌های تاریخی است که ما را به سمت و سویی از تاریخ خیالی سوق می دهد تا شاید به رستگاری یا وضعیتی رها شده نایل آییم؛ من که هیچ‌گاه از تاریخ و

فلسفه‌ی تاریخ طرفی نیسته بودم میدان بازی را تغییر دادم؛ آن را به سمت مَثَل ها و حکمت ها کشاندم؛ میزان سربلندی در این میدان به قضاوت خوانندگان وابسته است. احساس می‌کنم کودک ذهنم نارس چشم به جهان گشود؛ به امید روزی که جوانی تنومند گردد و شق و رق بایستد تا در گوشه و کنار، فح و فوخ و تق و توقی کند؛ دیگر از من گذشت که گرد و خاکی به پا کنم؛ چون پای من خسته است و راه من بسته. این مجموعه در امتداد کتاب بی تکلوم نگاشته شد با آثار علمی قبلی ام متفاوت است. امید است با انتقاد و پیشنهاد خود ما را در پربار کردن این مجموعه یاری فرمایید.

صالح کاکویی بهار ۱۴۰۲

www.ketab.ir